

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بدانند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

آدم ربایی ۴ ساعته در تهران

آدم ربای موتورسوار پس از گذشت ۴ ساعت از ربایش کودک از دزدیدنش پشیمان شد و کودک را بر گرداند. وقتی مأموران کلاتری ۱۴۷ گلیبرگ در جریان یک مورد آدم ربایی در خیابان اکبری قرار گرفتند به محل اعزام شدند. پدر جوان به مأموران گفت: ساعت ۲۱:۳۰ شب بود. پسر ۸ ساله در کوچه در حال بازی بود که یک موتورسوار او را ربود. دقایقی نگذشته بود که مرد موتورسوار از یک باجه تلفن همگانی تماس گرفت و درخواست مبلغ ۱۰ میلیون تومان پول کرد. در حالی که تحقیقات برای دستگیری مرد کودک را کلید خورده بود ساعت ۱:۳۰ بامداد، آدم ربای پسر بچه را مقابل در خانه اش رها کرده و متواری شد. بر اساس اعلام پلیس آگاهی تلاش جهت شناسایی و دستگیری او ادامه دارد.

ذره بین

پایان حاشیه های یک پرونده جنایی

فضاسازی های صورت گرفته درباره علت مرگ یک زن جوان در فردیس استان البرز با اظهارات دادستان این شهرستان و اعلام پیدا شدن جسد وی و اثبات قتل او توسط نامزد سابقش پایان یافت. حسن جهانشاهلو دادستان فردیس درباره فضاسازی های صورت گرفته در خصوص پرونده مریم فرجی، گفت: نامزد سابق این خانم چند روز پیش دستگیر شد و با توجه به شواهد متقن و کافی به قتل او اعتراف کرد. دادستان فردیس گفت: جسد مقتول که در باغ خواهر قاتل دفن شده بود، با حضور خانواده اش خارج شد و به پزشکی قانونی انتقال یافت. موضوع نحوه مرگ این فرد در روزهای اخیر در برخی از شبکه های اجتماعی منتشر شده و برخی از این طریق قصد شایعه پراکنی هایی داشتند که با پاسخ دادستان فردیس موضوع قتل او توسط نامزد سابقش به دنبال اعتراف وی، آشکار شد. دادستان فردیس درباره اطلاع رسانی در این گونه پرونده ها، گفت: بر این باور هستیم که باید از اطلاع رسانی در پرونده های جنایی به دلیل اینکه آرامش جامعه را بر هم می ریزد خودداری شود، اما به دلیل مسائلی نظیر آبروی افراد و ارگان ها و پیشگیری از موارد مشابه اطلاع رسانی در دستور کار قرار می گیرد. پلیس شهرستان فردیس در پی اطلاع خانواده دختر جوانی مبنی بر اینکه دخترشان از خانه خارج شده و دیگر برنگشته است، موضوع را به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی این شهرستان قرار داد. در بررسی های اولیه پلیس مشخص شد که دختر مفقود شده همان روز با یک خودرو از منزل خارج شده و دیگر برنگشته است. بلافاصله پرونده به پلیس آگاهی استان البرز ارجاع شد و تیم پلیس اداره جنایی آگاهی البرز اقدامات اطلاعاتی خود را در این زمینه انجام داد. پس از بررسی ها جسد در اطراف شهرستان فردیس کشف و تحقیقات پلیس برای شناسایی قاتل آغاز شد. در تحقیقات بیشتر، پلیس خواستگار این دختر را دستگیر و وی در بازجویی ها به قتل دختر جوان اعتراف کرد و اذعان داشت که در پی اختلافات با مقتول وی را به قتل رسانده و سپس جسد وی را در اطراف فردیس دفن کرده است. پس از اعتراضات متهم با حضور بازپرس ویژه محل دفن گودبرداری و سپس جسد کشف شده برای شناسایی خانواده مقتول به پلیس آگاهی فردیس منتقل شد.

شهر داری، راننده تانکر و اتوبوس مقصران تصادف آتشین سندی

راننده تانکر حمل سوخت، شرکت حمل و نقل بین المللی مربوطه، راننده اتوبوس و همچنین شهرداری سندیج به عنوان مقصران اصلی تصادف تانکر و اتوبوس مسافربری در سندیج و مرگ ۱۱ نفر شناخته شدند. این حادثه در نخستین ساعات بامداد چهارشنبه ۲۰ تیر رخ داد و موجب مرگ ۱۱ نفر و مصدوم شدن ۷ نفر دیگر شد. این تانکر حامل سوخت در ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه از مبدأ، ثبت ساعت کرده و طبق قوانین باید در فاصله ۲ تا ۴ ساعت پس از این زمان از محدوده شهری عبور می کرد که این اتفاق به هر دلیلی رخ نداد و تانکر در اوایل بامداد روز بعد به این محدوده رسیده است. به این ترتیب راننده تانکر کشنده که در مسیر مریوان - سندیج در حرکت بوده به دلیل ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه و داغ شدن ترمزها در شیب بلوار دکتر حسینی سندیج و همچنین تصدق شرکت حمل و نقل بین المللی، به دلیل رعایت نکردن قوانین اعزام کامیون به میزان ۵۰ درصد مقصر شناخته شدند. همچنین راننده اتوبوس به دلیل اینکه خارج از مقررات جاری در بیرون از محدوده پایانه اقدام به سوار کردن مسافر کرده بود به میزان ۲۵ درصد مقصر اعلام شد. شهرداری سندیج نیز که با وجود هشدارهای مکتوب از سوی پلیس نسبت به نصب سرعت گیر و علائم هشدار دهنده در شیب بیش از ۱۰ درصد بلوار دکتر حسینی کوتاهی کرده، محل را ایمن سازی نکرده و برای ترمیم کمربندی و راه اندازی آن اقدامی انجام نداده، بر اساس تبصره ماده ۱۴ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی به میزان ۲۵ درصد در وقوع این تصادف مقصر شناخته شده است. رئیس پلیس ترافیک شهری ناجا با اعلام این خبر گفت: مسیرهای جاده ای این منطقه کوهستانی است و در این شرایط کامیونی که با محموله مواد سوختی وارد این مسیر می شود باید این شرایط را در نظر بگیرد. سرهنگ قاسمیان گفت: این تانکر پس از طی این مسیر و شیب بلوار دکتر حسینی علاوه بر ترمزها، لاستیکش نیز در حد اشتعال داغ شده و آثار آن در مسیر مشخص بود که همین امر نیز سبب تصادف شده بود.



روایت «شهروند» از زندگی مردی که در زلزله کرمانشاه همسر باردارش را از دل خاک بیرون کشید

نگران آینده «بارانا» هستیم

سیما فراهانی | در آن دوشنبه تلخ و وحشتناکی که ماتم سراسر کرمانشاه را فرا گرفته بود، پیام تنها کسی بود که اشک نمی ریخت. خانه اش به ویرانه تبدیل شده بود. محل زندگی اش تنها خاک بود و خاک؛ اما پیام ته دلش خوشحال بود. معجزه های از طرف خدا خانواده اش را به او برگزیده بود. چه چیزی از این بهتر که همسر باردارش بعد از ۱۶ ساعت مدفون شدن زیر خروارها خاک، صحیح و سالم پیدا شده بود. تازه سه ماهی می شد که خبر پدر شدنش را شنیده بود و بی تاب این بود که بفهمد فرزندش دختر است یا پسر؛

اما زلزله همه زندگی اش را نابود کرد، ولی با این حال زنده ماندن همسر و نوزادش شادی وصف نشدنی به او داده بود. پیام آن زمان در میان آوار خانه و زندگی اش خوشحال بود، اما حالا او هم دارد اشک می ریزد. آن همه امید از بین رفته و جایش را به پوچی و ناامیدی داده است. همسرش سالم است، دخترش به دنیا آمده؛ همان دختری که به خاطر زنده ماندنش هر لحظه خدا را شکر می کرد، اما حالا ترس از آینده بارانا و زندگی ناپسامانی که دارد، او را از همه چیز ناامید کرده است. دیگر خوشحال نیست. با مدرک لیسانس، در ساختمان های



او که گله های خیلی زیاد است، در روایت این چندماه تلخ به «شهروند» می گوید: «آن زمان که مصاحبه ام در روزنامه شهروند چاپ شد، خبر نگارها و مجری های زیادی به سراغم آمدند و از زندگی ام گزارش گرفتند. همه تصور می کردند با این مصاحبه ها زندگی ام زیور و شونده و قطعا کمک های بسیار زیادی به من رسیده است. ولی اصلا چنین نبود. اوضاع و احوال زندگی من شاید از خیلی از زلزله زدگان هم بدتر باشد. با مدرک لیسانس مجبورم برای این که هزینه زندگی خانواده ام را تأمین کنم، در ساختمان کار کنم. روزی ۴۰ یا ۵۰ هزار تومان درآمد است. ۷ ماه است که در کانکس زندگی می کنیم. پدر و مادرم هم در کنار ما و در یک کانکس دیگر زندگی می کنند. پدرم جانناز و پیر است و نمی تواند کار کند. مادرم هم به تازگی شبکه چشمش پاره شده و باید برای درمان به تهران برود، اما شرایط سفر به تهران و درمان او را نداریم. با توجه به این که فرزند جانناز ۵۰ درصد و آزاده ۱۰ ساله هستم و مدرک لیسانس حقوق دارم، حداقل از بنیاد شهید یا مسئولان دیگر انتظار دارم برای شغلم اقدامی انجام دهند. حداقل سر یک کار مناسب بروم تا شاید آینده خانواده ام تأمین شود. بارانا روز اول تیرماه به دنیا آمد. هر پدري باید از به دنیا آمدن دخترش خوشحال باشد، ولی من از آن روز تا الان ناراحتم. می نشینم و فکر می کنم که آینده دخترم چه خواهد شد. این جسا هوا خیلی گرم است. به خاطر دخترم دماسنج خریدم، با استفاده از آن فهمیدم که دما حتی به ۶۰ درجه هم می رسد. دخترم در این ۲۵ روز چندین بار گرمازده شده و او



نیمه کاره کارگری می کند و دختر ۲۵ روزه اش را درون یک کانکس بزرگ می کند. ۷ ماه از آن شب وحشتناک زلزله می گذرد. شبی که پیام تا صبح در میان خروارها خاک به دنبال همسرش گشت و ناامید نشد. در نهایت هم او را زنده پیدا کرد و خدا معجزه اش را به او نشان داد. همسر و فرزندش هر دو سالم بودند. بارانا حالا به دنیا آمده ولی پیام نمی داند که آینده این دختر بچه چه خواهد شد. نه بولی دارد که خانه ویران شده شان را از نو بسازد و نه هزینه های زندگی همسر و فرزندش را بدهد.

را به بیمارستان بردیم، برای همین با کلی قرض توانستم یک کولر آبی بخرم که آن هم جواب نمی دهد. روزهای اول زلزله که از سرمایه ام لریزیدیم و همسرم در آن وضع دوران بارداری اش را می گذراند. حالا هم دخترم باید از گرما مر تب مریض شود و من کاری از دستم بر نمی آید. این جا حتی یک متخصص هم نداریم که در مواقع اورژانسی به او مراجعه کنیم. باید به بیمارستان برویم.» پیام در حالی که بشدت ناراحت است، ادامه می دهد: «از همه گله دارم. در این مدت به طور کل از یاد رفتیم. آن زمان ها تنها کمکی که به من شد، همان ارزاقی بود که از طرف هلال احمر و خیرین به ما می رسید. دیگر هیچ کس کمکی نکرد. هیچ حامی هم ندارم. تمام فامیل ها و بستگمان هم در زلزله خانه و زندگیشان را از دست دادند و وضعیتشان مثل ماست. برای همین کسی نیست که کمک کند یا در خانه اش پناهمان دهد. خانه خودمان هم که همچنان ویرانه است و پولی نداریم که آن جا را بازسازی کنیم. از زندگی ناامیدم. شب و روز فکر بچام هستم. اگر وضع همین طور باشد و من کاری نداشته باشم، او هم آینده ای نخواهد داشت. فرانک همسر من به خاطر چیزهایی که می خواست برای فرزندمان تهیه کند و الان نمی تواند، مر تب ناراحت است. از همان روزهای اول به دنیا آمدن دخترمان مجبور شدیم به او شیر خشک بدهیم. برای همین هزینه های دخترمان خیلی زیاد است. نمی دانم با این وضع باید چه کار کنم. هیچ پناهی ندارم به جز خدا؛ همان خدایی که یک بار معجزه اش را به من نشان داد و همسر و فرزندم را از دل خاک زنده بیرون کشید، حالا هم خود او باید معجزه های دیگر کند و زندگی مان را تغییر دهد. هیچ کس ارزشی برای ما قایل نشد و من هر روز و هر شب به خاطر بی پولی و نداری غصه می خورم و عذاب می کشم. هیچ کاری از دستم بر نمی آید. با مدرک لیسانس من چندین جا از منو دادم و درخواست کار دادم، ولی نشد. فایده ای نداشت و من مجبور شدم کارگری کنم. امیدوارم کسی بادی از ما کند یا حداقل شغلی برام پیدا شود تا بتوانم آینده دخترم را تأمین کنم. دخترم خیلی کوچک است و اصلا دوست ندارم در این وضع بزرگ شود. من نقشه های خیلی زیادی برای آینده او داشتم و الان با این وضع نمی توانم حتی نیازهای ساده و طبیعی اش را بر آورده کنم.»

دستگیری ۴۶ عضو باند مدلینگ در هرمزگان

توسط سربازان گمنام اطلاعات سپاه سلمان سیستم و بلوچستان تلاشی شد. هر چند این شبکه غیر قانونی مدلینگ کاملاً به طرز ماهرانه و در پوشش های مختلف فعالیت می کرد، اما از دید مردم اصیل و بصیر استان پنهان نماند و گزارشات مردمی مختلفی به این مرکز ارسال شد و با توجه به اهمیت موضوع، بررسی این پرونده به طور ویژه در دستور کار سربازان گمنام مرکز اطلاعات سپاه سلمان قرار گرفت. تمام افراد این شبکه سازمان یافته مدلینگ پس از هماهنگی با مقام محترم قضائی صبح ۲۴ مهرماه دستگیر و احضار شدند و مورد اقرار گردیدند. این شبکه مدلینگ با جذب تعداد زیادی از دختران

و پسران به طور غیر قانونی و زیرزمینی، آنها را اغفال کرده در حالت های مختلف از آنها تصویربرداری داشته است. گردانندگان این شبکه مدلینگ، در ابتدا با وعده حقوق های هنگفت، جوانان را جذب خود می کردند اما پس از سوء استفاده از آنها، افراد جذب شده را با تهدید و ارباب مجبور به همکاری می کردند که در نهایت ۱۱ نفر از سر شبکه های این تیم که در زاهدان مستقر بودند در عملیات سربازان گمنام امام زمان (عج) مرکز اطلاعات سپاه سلمان دستگیر و تحویل مراجع قضائی شدند. همچنین بیش از ۵۰ نفر در این رابطه احضار شدند و مورد اقرار قرار گرفتند و تعداد سه باب آنلیزه زیرزمینی از آنها کشف و پلمپ شد.

**شهروند ۴۶ عضو باند مدلینگ که تصاویر مبتذل در فضای مجازی منتشر می کردند، هر روز دستگیر شدند**

کارشناسان پلیس امنیت عمومی هرمزگان در پی رصد و کنترل فضای مجازی مطلع شدند افرادی به صورت گسترده و سازمان یافته فعالیت در شبکه مدلینگ در سطح شهر بندرعباس کرده و تصاویرها و کلیپ های آنان در اینستاگرام توسط خودشان منتشر شده است.

این موضوع به صورت ویژه در دستور کار اطلاعاتی و فنی مرکز اطلاعات فضای مجازی پلیس امنیت عمومی استان هرمزگان قرار گرفت. در این راستا با هماهنگی مقام قضائی، ۳۸ واحد صنفی متخلف (عکاسان،